

## دیپلماسی جدید هسته‌ای، جلوه دیگری از استراتژی سیاسی «نجات از گرداب بحران سیاسی»

اقدام رسمی مقامات ایران مبنی بر اعلام وجود یک کارخانه غنی سازی اتمی را باید در پیوند با استراتژی عمومی سیاستمداران جمهوری اسلامی در شرایط حاضر جستجو کرد. این استراتژی عبارت است از پذیرش توانایی جناح مغلوب در بسیج جنبش اعتراضی داخلی، ناتوانی جناح حاکم در مهار جنبش و حذف رقبای داخلی و مهمتر از همه، خطر مبدل شدن جنبش اعتراضی به قیام سراسری علیه کلیت نظام.

قدرت‌نمایی جنبش سبز در روز قدس، نقطه عطفی در این مسیر بود. و همه شواهد حاکی از پذیرش استراتژی عقب نشینی جناح حاکم و تن دادن به سازش و حتی پذیرش برخی اصلاحات ساختاری در بالا است.

جمهوری اسلامی امروز در شرایطی نیست که حتی دولت نهم در آن بسر میرد. همه سران نظام جمهوری اسلامی، باضافه جناح اصلاح طلب، بر این حقیقت وقوف کامل دارند که، چشم‌انداز سیاسی نظام در تیرگی ژرفی فرو رفته است. به همین سیاق، تحلیلگران و قدرتمداران غرب نیز در انتظار انفجارهای سیاسی عظیمی در ایران هستند.

در چنین شرایطی، اقدام دولت ایران را باید همچون نشانه‌های دیگری از استراتژی عقب نشینی در سیاست خارجی قلمداد کرد. بحران سیاسی اقتصادی سرمایه و خطر وقوع انقلاب، جناح‌ها را به یکدیگر نزدیک کرده است. این است جهت عمومی روندی که در حاله‌ای از فریب و دیپلماسی سیاسی پیچیده شده است. هراس از خارج شدن کنترل جنبش اعتراضی از دست اپوزیسیون بورژوازی و کابوس انقلاب، موجب ظهور سیر جدیدی از بازی‌های سیاسی در عرصه سیاست داخلی و خارجی جمهوری اسلامی گشته است. سیاستمداران و تحلیلگران راست و چپ دستگاه سیاسی سرمایه، میکوشند تا این حقیقت ساده را در حاله‌ای از وهم سیاسی درهم بپچند.

همزمان با نوسان دولت احمدی‌نژاد در گرداب بحران داخلی، دولت‌های غربی دست به یک تهاجم در حوزه جنگ دیپلماتیک حول بحران هسته‌ای زدند. اما این جدال دیپلماتیک با یک اقدام نابهنگام دولت ایران روبرو گشت. مقامات جمهوری اسلامی رسماً طی نامه‌ای به سازمان انرژی اتمی، خبر از تاسیس یک مرکز غنی‌سازی اروانیوم دادند. امری که با واکنش بلاواسطه قدرت‌های غربی مواجه گشت.

این گزارش زمانی منتشر گشت که سازمان مجاهدین نیز خبر از وجود مراکز مخفی مرتبط با تولید هسته اتمی داد. این نکته از آن نظر حائز اهمیت است که این سازمان در گذشته نیز نقش معینی در جنگ سازمان‌های اطلاعاتی غربی و جمهوری اسلامی بر سر مراکز سری تلسلیحات اتمی داشته است.

ناظران سیاسی غالباً بر این باورند که این اقدام نابهنگام جمهوری اسلامی، با هدف خنثی‌سازی برنامه اطلاعاتی آمریکا، بمنظور افشای این مرکز برای باز کردن راه اعمال فشار بیشتر به دولت احمدی‌نژاد بوده است. اشاره تحلیلگران دستگاه‌های سیاسی و تحقیقی آمریکا به مطلع بودن از وجود این نیروگاه، به گمانه‌زنی در باره جنگ اطلاعاتی بعنوان عامل این اقدام دولت ایران، دامن میزند.

برخی نیز چنین می‌پندارند که عروج یک جنگ دیپلماتیک در حوزه بحران هسته‌ای، فرصت جدیدی برای دولت احمدی‌نژاد فراهم می‌سازد تا فشارها و تهدیدهای غربی را بمثابه اهرم سیاسی برای اعمال فشار بیشتر در داخل و حذف سران جنبش سبز از صحنه سیاسی بکار گیرد. اما این تصویر در عرصه سیاست خارجی جمهوری اسلامی، با وضعیت کنونی رژیم، توازن قوای سیاسی در بحران داخلی سازگار نیست. حقایق مربوط به مسایل مرتبط به دیپلماسی هسته‌ای در روزهای آتی روشن خواهد شد.